مدیرکل تربیت بدنی وزارت علوم در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

از هر ۵ دانشجو یک نفر ورزش می‌کند

- ۶۰ درصد دانشجویان پسر اضافه‌وزن دارند
- ۶۰ درصد دانشجویان دخترند اما ظرفیت‌های ورزشی به اندازه نصف هم نیست
- شاید یونیورسیاد بعدی سخت‌تری داشته باشیم
- ورزش دانشگاهی هنوز به نظر خیلی‌ها لوکس و تشریفاتی است؛ دانشگاه‌ها ورزش را فوق‌برنامه می‌بینند

ابوالفضل مظاهری - فاطمه طاری‌بخش
گروه دانشگاه

«آب در کوزه و ما تشنه‌لبان می‌گردیم» اگرچه ارتباط مفهومی خاصی با حوزه ورزش و دانشگاه ندارد اما حکایت همه مدیرانی است که دغدغه افزایش نشاط و تندرستی دانشجویان را دارند اما از پتانسیل‌های ارزشمند ورزشی دانشگاه‌ها غافلند. حوزه‌ای که با وجود اهمیت در جریان فعالیت‌های دانشگاه اولویت‌های کمتری گرفته، نشانه‌اش هم برگزاری شوراهای ورزش دانشگاه‌هاست که در سال تحصیلی گذشته صرفا در ۳۹ دانشگاه برگزار شده و ۷۴ دانشگاه چنین شورایی تشکیل ندادند. شاهد مثال دیگرش افت جمعیت جشنواره‌های ورزشی درون‌دانشگاهی است که عدد آن تا بازگشت به وضعیت پیش از کرونا فاصله طول و درازی دارد. البته در این بین نباید ضربه کاری کرونا را بر پیکره کم‌رمق ورزش دانشگاه نادیده گرفت. آمار اداره تربیت بدنی دانشگاه صنعتی شریف نشان می‌دهد مشارکت دانشجویان در رویدادهای ورزشی از حدود ۲۲ درصد در سال ۹۸ با حدود ۵ درصد افت به ۱۶٫۴۰ درصد در سال گذشته رسیده و این کاهش در پسران دانشجو جدی‌تر بوده است. دغدغه دانشگاه این بار از جنس ورزش و تربیت‌بدنی پای ما را به طبقه سوم سازمان امور دانشجویان باز کرد. جایی که ابراهیم علی‌دوست، مدیرکل تربیت بدنی سازمان امور دانشجویان در گفت‌وگویی ۶۰ دقیقه‌ای با خبرنگاران «فرهیختگان» از چالش‌های امروز ورزش در مراکز آموزش عالی سخن گفت. او که دانش‌آموخته مدیریت و برنامه‌ریزی ورزشی و عضو هیات‌علمی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران است از مهرماه ۱۴۰۰ مسئولیت هدایت امور ورزشی در وزارت علوم را برعهده گرفت. مشروح گفت‌وگوی او با «فرهیختگان» را در ادامه می‌خوانید.

اخیرا اداره تربیت‌بدنی دانشگاه شریف گزارشی آماری منتشر کرده که حضور و مشارکت ورزشی دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی به‌ویژه بعد از کرونا افت جدی داشته؛ آمار مربوط به سال ۱۴۰۱ است و درصد مشارکت پسرها ۱۶٫۵ و دخترها ۱۵٫۸ اعلام شده است. عددی که پیش‌تر ۲۳٫۱۷ بوده یا مثلا میانگین آمار مشارکت سال ۹۸ عدد ۲۲ درصد را نشان می‌دهد که به ۱۶٫۴ درصد کاهش یافته و افت محسوسی را نشان می‌دهد؛ چه به لحاظ تعداد شرکت‌کننده در برنامه‌ها و چه به لحاظ درصد حضور دانشجویان. شما آمار مشخصی از وضعیت فعلی فضای دانشگاه‌ها دارید؟ به نظر می‌رسد وضعیت ورزش دانشگاه در کف دانشگاه خوب نیست.

از آمار شروع می‌کنم. ما آمار دقیقی در حوزه کل ورزش کشور و نه ورزش دانشگاه نداریم. در گزارشی وزارت ورزش به استناد منابعی گفته که ورزش همگانی در کشور ۴۸ درصد است، یعنی از هر دو نفر یک نفر ورزش می‌کند اما ما این را نمی‌بینیم. این به مبنا برمی‌گردد. در جلسات آمار را به چالش می‌کشیم که از کجا آمده؟ بعد می‌بینیم زنگ ورزش مدارس و واحدهای ورزش دانشگاه‌ها را هم جزء آمار می‌بینند که من یک‌بار به‌شوخی گفتم فکر کنم شما کسانی را که دنبال اتوبوس می‌دوند هم جزء ورزشکاران حساب می‌کنید!؟ آمار دقیق‌تر یا نزدیک به واقع‌تر ۲۱ درصد است که باز من هم این را نمی‌بینم، یعنی از هر پنج نفر یک نفر. می‌خواهم بگویم آماری که دانشگاه شریف داده شاید تعداد دانشجوهایش مشخص‌تر است، جامعه‌اش محدودتر است و شاید مبنایی دارد و دقیق‌تر باشد. ضمنا منطقی است و این را تایید می‌کنم و به نظرم قابل تعمیم هم هست.

دوسال پس از پایان پاندمی کرونا می‌توان هنوز این مساله را گردن کرونا انداخت؟

خیر، اما کاهش آن صددرصد به کرونا ربط دارد و عدم‌افزایش به سطح ماقبل از کرونا هم هست که توضیح می‌دهم. دانشگاه‌ها از اسفند ۹۸ تعطیل شدند و دیگر دانشجویی نبود که ورزش دانشجویی باشد و خیلی از دانشجویان هم اگر می‌خواستند ورزش کنند، تمام اماکن ورزشی شهر هم تعطیل بود. از اواسط یک‌سال و نیمی که محدودیت بود تا آخر دولت قبل جاهایی شل‌کن سفت‌کن بود؛ بسته به قرمز و نارنجی بودن شهرها و رشته‌های ورزشی دستورالعمل‌هایی آمد که سالن تهویه دارد و چیزهای دیگر، می‌تواند این تعداد دانشجو بپذیرد؟ یک سری دانشجوهای ورزشکار یا ورزشکاران حرفه‌ای در فضاهای بیرون یا خانه ورزش می‌کردند. آن زمان من مسئول آموزش دانشگاه تربیت‌بدنی دانشگاه تهران بودم. نصف واحدهای ما عملی است. باید چه کار می‌کردند؟ ابتکار استاد این بود که تکلیفی می‌داد، اینها باید می‌رفتند بارگذاری می‌کردند و یک‌سری فعالیت‌ها انجام می‌شد اما کرونا واقعا به ورزش دانشگاه‌ها ضربه زد و اینها تعطیل شدند. المپیاد ورزش قهرمانی در سال‌های ۹۸ و ۹۹ برگزار نشد. بنده مسئولیت گرفتم، برنامه‌ریزی و در سال ۱۴۰۱ آن را برگزار کردیم. بعد از وقفه دوران کرونا سعی کردیم برنامه‌ریزی ما ایجاد نشاط در دانشگاه‌ها از طریق ورزش باشد. با ازسرگیری فعالیت دانشگاه‌ها جاهایی فقط ۲۰ درصد ظرفیت باز بود و تحصیلات تکمیلی‌ها فقط می‌آمدند یا بعضی رشته‌ها می‌آمدند و برخی نه؛ مثلا برخی که آزمایشگاه داشتند می‌آمدند. از آنجا که وزارت علوم تصمیم گرفت دانشگاه‌ها حضوری شوند و صددرصد ظرفیت باز شود، این را با ورزش شروع کردیم و المپیادمان را برگزار کردیم. تابستان ۱۴۰۱ در وزارت علوم دو المپیاد تعریف‌شده وجود داشت؛ المپیاد ورزش قهرمانی و همگانی که سال‌های زوج المپیاد قهرمانی و سال‌های فردی المپیاد همگانی برگزار می‌شد. همه را برگزار کردیم. در تابستان ۱۴۰۱ چهار المپیاد برگزار کردیم. هم المپیاد قهرمانی، هم همگانی، هم دو المپیاد جدید تعریف کردیم، المپیاد شهدای ایثارگری که ۱۱ سال بود برگزار نشده بود و المپیاد دانشجویان بین‌المللی غیرایرانی. اسفند هم المپیاد ساحلی را در هرمزگان کلید زدیم. سعی کردیم با ورزش آن رونق را برگردانیم اما آیا هنوز می‌شود ضعف را به کرونا ربط داد؟ بله. من در این دوران ۱۸ کیلو وزن اضافه کردم. کرونا تبعات و آثاری داشته که ادامه پیدا کرده است. اضافه وزن در دانشجویان به نسبت قبل از کرونا بالا رفته است.

شما پیمایش مشخصی از وضعیت دانشجویان دارید؟

در اداره کل تربیت بدنی فعالیتی روی دانشجویان جدیدالورود تعریف شد و چون بار مالی و هزینه داشت، تمرکز را روی دانشجویان جدیدالورود گذاشتیم، البته نه همه، آن تعداد که می‌توانستیم. بسته به ظرفیت و امکانات دانشگاه‌ها یک سری مراکز مشاوره تندرستی در دانشگاه تعریف شد که در سطح دانشگاه به‌عنوان مرکز مشغول به کار هستند. یک سری امکانات از اداره کل به آنها دادیم. ساده‌ترین اینها ترازو، قدسنج، کالری‌سنج، چربی‌سنج و اینها بود که نیم ساعت وقت بگذارند برای هر دانشجوی جدیدالورود و ببینند چاقی، لاغری، فشار خون و شاخص‌های سلامتی، ارزیابی ناهنجاری‌های اسکلتی به چه صورت هستند. سال اول زیر ۱۰ درصد انجام شد. جامعه آماری‌شان فکر می‌کنم ۱۴ هزار نفر بود. سال دوم یعنی سال ۹۸ قوت و ضعف‌ها شناسایی شد و طرح را پیشرفته‌تر کردیم، یعنی فرض می‌کنیم همه را ارزیابی کردیم و از ۳۰۰ هزار نفر ورودی جدید مثلا این تعداد چاق هستند. آمدیم تعریف و ناهنجاری‌های حاد را شناسایی کردیم و سال ۹۸ با ظرفیت ۲۲ هزار نفر ۴۰۰ نفر شناسایی شدند. یک کارگروه مشاوره در اداره کل تشکیل شد و هفت نفر از اساتید دو روز در هفته به ما وقت دادند که چون به کرونا خورد، به‌صورت غیرحضوری استاد در جای مشخصی می‌نشست، اسامی دانشجویانی که شناسایی کردیم مثلا ناهنجاری‌های اسکلتی حاد یا اضافه‌وزن حاد دارند یا در پرسشنامه ادراک از خود و بدن پایین‌ترین نمره را دارند و در مرز خطر هستند به‌صورت یک لیست به اساتید دادیم و آنها را رصد و ترغیب کردیم و به آنها مشاوره دادیم که چه باید بکنند. خروجی‌اش هم رضایت نسبی ۴۰۰ نفر بود.

می‌دانید چند درصد اینها از آن وضعیت خود خارج شدند؟

درصد نداریم اما می‌دانیم بخشی از آنها مشکل‌شان حل شده و البته باز به کرونا خورد که آن هم باعث شد این برنامه‌ها دو سال تعطیل شوند.

پیمایش سلامت دانشجویان باز هم تکرار شد؟

در مهر ۱۴۰۱ ما دوباره این برنامه را احیا کردیم. هدف‌گذاری ما روی ۷۰ هزار نفر بود. پارسال اول مهر به وقایع برخوردیم و فرصت از دست رفت. تقریبا اواخر آذر دانشگاه‌ها شروع کردند و تقریبا به همان عدد ۱۴، ۱۵ هزار نفر رسیدیم. امسال را الان برنامه‌ریزی کردیم و ۵ مهر جلسه‌ای با کارشناسان مراکز تندرستی برگزار کردیم که در هر مرکز یک خانم و یک آقا را آموزش دادیم که چطور نتایج را ثبت و ارزیابی کنند. اشکالاتی که در دوره‌های قبل داشتیم رفع کردیم. کارگروه مشاوره‌مان فعال است و الان دانشگاه‌ها دارند کارشان را انجام می‌دهند.

از نتایج سال پیش چیزی خاطرتان هست؟ مهم‌ترین مولفه‌هایی که خود شما به‌عنوان کسی که گزارش را گرفته، تعجب کرده یا احساس خطر کرده؟

چون کرونا ضربه‌اش را زد، فکر می‌کنم الان بالای ۶۰ درصد دانشجویان پسر ما اضافه‌وزن دارند. اضافه‌وزن خودش فقر حرکتی می‌آورد و تبعات دارد. آیا فقط کرونا موثر است یا دلیلش کم‌کاری نهادهای مربوطه است؟ هر دو، ولی باید به سرچشمه مشکل برویم. حلال مشکلات پول است. اداره کلی تربیت‌بدنی وزارت علوم در سال ۹۶ بودجه‌اش پنج میلیارد و ۷۰۰ هزار بوده است. ممکن است اعداد را کمی کم و زیاد بگویم اما روند همین است. در سال ۹۷ شده شش میلیون و ۲۰۰. در سال ۹۸ شده شش میلیون و ۸۰۰. به کرونا خوردیم و نمی‌دانم کرونا به ما اینجا ضربه زد یا تعطیل‌شدن ورزش در دانشگاه‌ها. در سال ۹۹ شده هفت میلیون و ۲۰۰، سال ۱۴۰۰ که بنده آمدم و مسئولیت گرفتم، بودجه ما هشت میلیون و ۷۰۰ بوده. با این مبلغ کاری نمی‌شد کرد، یعنی من بیشتر انرژی‌ام را گذاشتم تا با نهادهای مربوطه و مجلس و سازمان برنامه صحبت کنم که اگر بناست در ورزش دانشگاه‌ها اتفاقی بیفتد باید هزینه کرد. ما گفتیم همان بودجه پنج میلیارد و ۷۰۰ سال ۹۶ را معادل‌سازی می‌کنیم، همان را به ما بدهید، همه‌چیز ۱۰ برابر شده. با برنامه و تعریف نوشتیم حدود ۵۸ یا ۶۲ میلیارد و خیلی وقت گذاشتیم اما باز هم خدا رو شکر امسال به ما ۲۶ میلیارد دادند. یک المپیاد ما فقط نزدیک به ۴۰ میلیارد هزینه برده. من فقط دارم از این طرف و آن طرف پول می‌گیرم و با جاهای دیگر مذاکره می‌کنم و اسپانسر می‌گیرم. آخرش هم یک بخش از خود دانشجوها می‌گیریم، یعنی شهریه برای مسابقات می‌گذاریم. یک نکته‌ای که درکنار پول هست و باز مرتبط است، بحث امکانات است. بسیاری از دانشگاه‌های ما امکانات لازم برای پرداختن به ورزش را ندارند. یک چیزی که من نوعا در نگاه برنامه‌ریزی کلان مسئولان در حوزه ورزش دانشگاه‌ها ندیدم این است که احداث یک مجموعه ورزشی یک جور هزینه می‌خواهد، نگهداری آن هم هزینه می‌خواهد. خیلی از مسئولان ما فکر می‌کنند این سالن را ساختیم و حالا بروید دیگر ورزش کنید. الان بسیاری از دانشگاه‌های بزرگ ما که از نظر سرانه ورزشی امکانات‌شان خوب بوده، به مشکل خورده‌اند؛ مثلا کف استخر ترک خورده یا موتورخانه‌اش خوابیده و هزینه زیادی می‌خواهد. مثلا ۱۴ میلیارد تومان هزینه بازسازی استخر دانشگاه صنعتی اصفهان است. در بحث بودجه ورزش وزارت علوم کم‌لطفی هست و من دو سال است که پیگیر آن هستم. یک کم‌لطفی هم از سوی مجلس نسبت به ورزش دانشگاه‌ها وجود دارد و آن اینکه یک تبصره هست که ۰٫۲۷ درصد یعنی یک‌سوم از ۹ درصد ارزش افزوده قرار است در ورزش همگانی هزینه شود. یک زمانی همه این رقم در اختیار وزارت ورزش قرار می‌گرفت؛ مثلا در سال ۱۴۰۲ فکر می‌کنم هفت هزار میلیارد بود، اگر همه آن تخصیص می‌یافت. ما می‌گوییم نصف آن، یعنی سه هزار میلیارد تومان. از سال ۱۴۰۰ این رقم ۶۰، ۴۰ شد و ۶۰ درصد را به وزارت ورزش و ۴۰ درصد را به وزارت آموزش‌وپرورش دادند. چرا؟ می‌گویند آنها ۱۷ میلیون دانش‌آموز هستند. گفتم کار درستی کردید. ما هم سه و نیم میلیون دانشجو در کل کشور داریم. گفتم اگر به ۱۷ میلیون ۴۰ درصد می‌دهید، به سه و نیم میلیون ما هم ۱۰ درصد بدهید اما هنوز نتوانستم جایی که موثر است را قانع کنم. اگر قرار است اتفاقی در ورزش دانشگاه‌ها بیفتد، اول باید این مساله امکانات و بودجه حل شود، هرچند همکاران ما با همه این محدودیت‌ها دارند کارهایشان را می‌کنند و ما جشنواره‌های بهاره، تابستانه و پاییزه تعریف می‌کنیم. رویکرد جدیدمان فارغ از امکانات و محدودیت‌ها، توسعه ورزش همگانی و بومی-محلی و کم‌هزینه زودبازده است تا بتوانیم این را در خوابگاه‌ها و دانشگاه‌ها پیاده کنیم.

آماری در سایت سازمان امور دانشجویان وجود دارد که ۱۶ هزار نفر در ورزش قهرمانی و ۲۵ هزار نفر در ورزش همگانی مشارکت داشتند؛ این عدد مربوط به سال‌های اخیر است؟

پارسال یعنی مربوط به سال ۱۴۰۱ است.

براساس آماری که از جمعیت دانشجویی شهریور ۱۴۰۱ منتشر شده، حدود ۷۰۰ هزار نفر دانشجو در دانشگاه‌های جامع و زیر نظر وزارت علوم مشغول به تحصیل هستند. با این عدد یعنی میزان مشارکت دانشجویان در مجموع دو مدل قهرمانی و همگانی حدود ۶ درصد می‌شود.

آمار دقیق نیست. آمار خود ما بالای صد هزار تاست، یعنی بچه‌هایی که در ورزش مشارکت دارند. این آمار مناطق و رویدادهای ماست. ما یک المپیاد ورزش قهرمانی پارسال در تبریز برگزار کردیم. ورزشکارانی که در آن رویداد شرکت کردند، حدود چهار هزار نفر بودند. این ورزشکاران ابتدا در ورزش درون دانشگاهی شرکت کردند، شده تیم منتخب دانشگاه، این تیم دانشگاه در مسابقات منطقه آمده. ما ۱۰ منطقه داریم. نفرات نخبه در نهایی آمده‌اند. این آمار صرفا مسابقات مناطق و المپیاد نهایی ماست، یعنی درون‌دانشگاهی‌ها را ما خیلی لحاظ نکردیم، با آنها بالای صد هزار نفر برآورد کردم. این عدد دقیق نیست اما اگر بخواهیم می‌توانیم به آن برسیم.

درنهایت یعنی چیزی حدود یک هفتم؟

این آمار ۱۶ هزار و ۲۵ هزار را باید نسبت به جامعه ۳۰۰ هزاری در نظر بگیرید.

داده آماری ۷۰۰ هزار نفره براساس گزارش رسانه‌ها از موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم است که شامل دانشگاه‌های جامع و تخصصی می‌شود؛ البته مربوط به قبل از شهریور ۱۴۰۱ است.

شفت مربوط به استان گیلان است. مسئول تربیت‌بدنی آن صحبت می‌کرد و می‌گفت یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر در شهرستان شفت ورزش می‌کنند. مجری می‌گفت جمعیت کل شهرستان چقدر است؟ می‌گفت ۵۵ هزار نفر! دیگر از بس جدی به چالش کشیده شد، گفت شاید آمار غلط است! من فکر می‌کنم منهای دانشگاه‌های پیام‌نور و اینهاست، چون دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه فنی‌حرفه‌ای برای خودشان المپیاد مختص به خود دارند. دانشگاه علمی-کاربردی هم دارد. آنها در المپیادهای ما می‌آیند اما فقط تیم منتخب و برگزیده آنها می‌آید.

به وضعیت دانشگاه‌ها اشاره کردید. به نظر می‌رسد حتی در خود دانشگاه‌ها هم نسبت به مقوله تربیت‌بدنی تصور درستی وجود ندارد. مدیرکل تربیت‌بدنی دانشگاه تربیت مدرس دو سال پیش در گفت‌وگویی با «فرهیختگان» معتقد بود ورزش در فضای دانشگاه حکم زنگ تفریح دارد و مساله نیست، در حالی که در دانشگاه‌های مطرح دنیا کارهای جدی در حوزه ورزش اتفاق می‌افتد که در گزارش‌های مختلفی به آن پرداختیم. مثلا ۲۰ درصد دانشجویان دانشگاه کمبریج در لیگ‌های دانشجویی به شکل جدی فعال هستند یا در دانشگاه آکسفورد ۸۱ باشگاه ورزشی در حوزه‌های مختلف وجود دارد یا در استنفورد خدمات ۳۱ رشته ورزشی ارائه می‌شود. این نشان می‌دهد آنهایی که مثل ما نگاه‌شان تربیتی به فضای دانشگاه نیست و مساله نشاط هم چندان برایشان به ظاهر اولویت نداشته باشد؛ سبک و سیاق برنامه‌ریزی و مدل توجه‌شان خیلی جدی‌تر است. در مقابل اما هیچ‌گاه در دانشگاه تهران یک لیگ فصلی منظم به‌عنوان یک رویداد سالانه دانشگاه باشد ندیدیم. چرا تفاوتی در این سطح دیده می‌شود؟

خلاصه چرایی این قضیه همان پول است. ما در دانشگاه تهران لیگ نداریم اما هرساله مسابقات درون‌دانشگاهی برگزار می‌شود. حالا گاهی برای شناسایی نفرات برتر تشکیل تیم‌های دانشگاهی است و گاهی هم کاری است که باید روتین انجام دهیم؛ مثلا فوتسال، فوتبال، هندبال، بسکتبال، تنیس روی میز، تکواندو، بدمینتون و... دختران و پسران نوعا برگزار می‌شوند. در خیلی از دانشگاه‌های دیگر هم می‌دانیم داریم اما لیگ نیست. مشکلی که در کل بحث ورزش دانشجویی‌مان داریم این است که پراکندگی داریم. در ورزش دانش‌آموزی شاید ۲۰ مدل مدرسه داریم اما همگی ذیل یک وزارتخانه هستند، اما دانشجویان ما در بهترین حالت ذیل سه نهاد هستند؛ وزارت علوم، وزارت بهداشت و دانشگاه آزاد. این برنامه‌ریزی برای لیگ‌های دانشجویی را سخت می‌کند. به همین دلیل و مسائل دیگر که عمده آن در بحث اعزام‌ها بوده است، سال ۸۵ فدراسیونی به نام فدراسیون ملی ورزش دانشگاهی شکل گرفت. اگر بخواهد لیگ دانشگاهی راه بیفتد، متولی‌اش فدراسیون ملی است. جسته‌وگریخته کارهایی شده است.

چرا در سطح دانشگاه این اتفاق نمی‌افتد؟

خلاصه‌اش مساله پول است و اگر بخواهم آن را باز کنم، باید بگویم بحث ورزش به نظر خیلی‌ها یک چیز لوکس و تشریفاتی است. ورزش اصل برنامه است، فوق‌برنامه نیست، درحالی‌که دانشگاه‌ها ورزش را فوق‌برنامه می‌بینند. ما بارها گفته‌ایم. ۱۴۰۲ وقتی لایحه داده بودند و تصویب شد، بودجه‌ها را مقایسه کرده بودند که کدام وزارتخانه چقدر بودجه‌اش اضافه شده است. وزارت ورزش آخر لیست بود و اضافه که نشده بود، ۲۶ درصد هم کم شده بود. چرا؟ بارها ما گفتیم اگر ورزش در حدی که شأن و جایگاهش هست، دیده و تعریف شود و در دانشگاه هم باشد، خیلی از مشکلات حل می‌شود. نیازی نیست وزارت بهداشت بخواهد آنقدر هزینه کند. یک بودجه‌ای برای دانشگاه‌ها هست که ردیفش هم کلی است، یعنی سهم ورزش معلوم نیست. الان دانشگاه‌های وزارت علوم، بودجه‌ای که ردیف ورزش در آن است، ردیف فعالیت‌های فرهنگی، فوق‌برنامه، رفاهی و تربیت‌بدنی است. چهار منظور در نظر گرفته شده. حالا رئیس یک دانشگاهی ورزشی است، برای ورزش می‌دهد و به آن می‌رسد. یک دانشگاهی با ورزش مشکل دارد و اصلا ورزش را ضد فرهنگ می‌داند، آن شخص نمی‌دهد و به مشکل می‌خوریم. الان مشکل این است که ردیف ما مشخص باشد که روی چقدر حساب کنیم و این را چطور برنامه‌ریزی کنیم. الان در بدیهیات و ساده‌ترین چیزها مانده‌ایم. به ما زنگ می‌زنند و می‌گویند برای ساده‌ترین مسابقات هم دانشگاه به ما پول نمی‌دهد. لباس یا تجهیزات نمی‌خرد و نمی‌دهد. در المپیاد اینقدر مدال گرفتیم، یک یا دو سال گذشته اما هنوز هیچ پاداشی یا تجلیلی نداشته‌ایم. لیگ خیلی هزینه‌بر است. بزرگ‌ترین مشکل ما در برگزاری لیگ بین دانشگاه‌ها بعد مسافت است. من نمی‌خواهم حرف‌های ناامیدکننده بزنم، چون پارسال تکلیف کردیم که این اتفاق باید بیفتد. در فدراسیون ورزش دانشگاهی سه رشته را تعریف کردیم و برای اینکه بعد مسافت را حل کنیم، گفتیم اول لیگ استان. هرچقدر دانشگاه در یک استان هست اعم پیام‌نور، آزاد و دولتی و غیردولتی در سه رشته فوتسال، بسکتبال سه‌نفره و والیبال می‌توانند در این لیگ شرکت کنند. در یک استان مثلا ۱۰۰ تا دانشگاه هست که می‌توانند تیم دهند اما نمی‌دهند، چون هزینه دارد. الان در ۲۰ استان ما این سه لیگ را درباره دختران و پسران برگزار کرده‌ایم و برنامه‌مان این است که به نسبت تعداد تیم‌های یک استان آنهایی که راه پیدا می‌کنند به مرحله بعد ۴۰ تا بشوند. ۳۰ استان داریم. یک استانی مثل تهران تعداد دانشگاه‌هایش زیاد است و چهار تا می‌توانند به مرحله بعد برسند، یک جایی که دانشگاه‌ها کمتر هستند، با تعداد کمتر می‌روند. ضمنا استان‌ها را برحسب جغرافیا که مسافت کم باشد به ۴۰ تا تقسیم کردیم و شد یک لیگ متمرکز هفتگی. الان تقسیم بر چهار که بکنید، می‌شود ۱۰ تیم که اینها پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها به یک استان می‌روند و دو دور بازی می‌کنند و هفته‌های بعد هر هفته به یک استان می‌روند. از این چهار منطقه دوباره دو تا منتخب می‌شود هشت تا و دیگر مرحله نهایی و استانی می‌شود که الان در مرحله دوم آن هستیم. این سه رشته را قرار است به هفت یا هشت تا افزایش دهیم.

برای سال تحصیلی جدید؟

الان تقریبا داریم شروع می‌کنیم. فقط مشکل پول است. همان‌هایی که برگزار شده، هنوز پول داوری‌هایشان بعضا داده نشده. دلیلش هم این است که فدراسیون ورزش دانشگاهی که متولی ورزش آن سه و نیم میلیون دانشجو است، هیچ ردیف بودجه‌ای در هیچ‌کدام از ردیف‌های بودجه‌ای ما ندارد، یعنی مثل یک طفل یتیم سرراهی است. وزارت ورزش به عنوان یک فدراسیون ورزشی این را نمی‌بیند و پولی هم به آن نمی‌دهد. در ردیف‌های وزارت علوم هم تا می‌گوییم فدراسیون، می‌گویند آن یک نهاد عمومی غیردولتی است. فقط در قالب یک‌سری بندها و ردیف‌ها در این سال‌ها کم و زیاد بسته به شدت و ضعف رابطه فدراسیون با سازمان امور دانشجویان عمده بودجه‌اش را از سازمان گرفته. من روزی که به اداره کل آمدم، از بودجه‌ای که به شما گفتم، گفتند ۲۶ درصدش مربوط به فدراسیون است. گفتم مستندش کجاست؟ گفتند نانوشته است، یعنی یک چهارمش را هم باید بدهیم آن طرف. دانشگاه آزاد با اینکه در فدراسیون دانشجویی سهیم است، کمک می‌کند؟ مستمر و تعریف‌شده، نه. یک زمانی مثلا دوره‌ای که آقای دادکان بوده، چون خودش ورزشی بوده و می‌خواسته از فوتبال حمایت کند، یک پولی در فدراسیون آورده است. وزارت بهداشت آیا در فدراسیون دانشجویی بودجه‌ای تزریق کرده؟ خیر؛ صفر. بحث فدراسیون بحث حرفه‌ای و لیگ و اعزام است. سهم وزارت بهداشت را در این اعزام‌ها به یاد نمی‌آورم. خودش را کنار می‌کشد و از آن طرف به نسبت وزارت علوم و دانشگاه آزاد وضعش بهتر است اما المپیادهایی برای خودشان برگزار می‌کنند که اخیرا در فدراسیون جلسه‌ای داشتیم، گفتند در سیاست‌گذاری جدیدشان حذف شده. یک زمانی در وزارت علوم هم به این نتیجه رسیدند که المپیاد صرف هزینه زیاد برای تعدادی اندک است.

به نظرتان این حرف معقول است؟

با نگاهی که ما در کلان مملکت داریم و طبق صحبت‌های مقام معظم رهبری و سایر بزرگان، ورزش قهرمانی ایجاد انگیزه می‌کند و ویترین است. اما اگر به این منوال باشد منطقی نیست، شاید یک منطقی در آن پیدا شود.

در برخی دانشگاه‌ها به یک آدم خوش‌ذوقی می‌رسیم که خودش ورزشی است و دغدغه دارد و حتی با کمترین امکانات سعی کرده کاری را دربیاورد و در چند رشته کار کند. چند درصد از مدیران کلی تربیت‌بدنی دانشگاه‌ها الان چهره‌های ورزشی هستند؟

آمار دقیق دارم اما این چیزی که الان می‌گویم شاید دقیق نباشد. ما تقریبا ۲۰ دانشگاه داریم که اسمش دانشگاه است اما کارمند و هیات‌علمی دارای رشته تربیت‌بدنی‌اش صفر است.

پس چطور واحد تربیت‌بدنی را طی می‌کنند؟

یک‌سری مربی حق‌التدریس از بیرون می‌آیند و می‌روند. از مجموع حدود ۱۱۰ تایی که داریم، ۲۰ تا حدودا این‌طور هستند. در بقیه دانشگاه‌ها که آمار گرفتیم، حدود ۹۰ و خرده‌ای است. زمانی اینها ۱۱۸ تا بودند اما الان از ۹۴، ۹۵ دانشگاهی که آمار گرفتیم و در آمار ما دیده شدند، فکر می‌کنم ۷۰ درصدشان مدیر تربیت‌بدنی‌شان تخصص و رشته‌اش تربیت‌بدنی است. نزدیک ۳۰ درصد غیرمرتبط هستند. غیرمرتبط‌ها هم بی‌ربط نیستند، مثلا دانشگاه شریف یا دانشگاه گرگان یا دانشگاه لرستان، مدیر تربیت‌بدنی‌شان ورزشکار بودند. در دانشگاه تبریز ۲۰ سال آقای اهلی‌زاد مدیر تربیت‌بدنی بودند که اخیرا عوض شدند. احتمالا بازنشسته شدند. ایشان والیبالیست در حد تیم ملی بود اما رشته‌اش ژنتیک بود. ۷۰ درصد مدیران تربیت‌بدنی ما نوعا ورزشی هستند. یک مشکل که در بحث تربیت‌بدنی دانشگاه‌ها داریم و من نامه‌ای نوشتم که در پیچ‌وخم اداری ماند، این است که ما گفتیم دانشگاه‌ها را تیپ‌بندی می‌کنیم و ملاک‌مان هم تعداد دانشجو است. مثلا زیر ۵۰۰ دانشجو، ۵۰۰ تا هزار، هزار تا ۴ هزار، بالای ۴ هزار، ۴ تا ۱۰ هزار. اینها را تیپ‌بندی‌شده آماده داریم. بزرگ‌ترین شاخص در واحدی که تربیت‌بدنی‌ها را اداره می‌کند، مرکز است. مرکز تربیت‌بدنی که دانشگاه تربیت‌مدرس مرکز است. یک دانشگاه دیگرمان هم مرکز بود که الان تغییر یافت.

یعنی ما مرکز فقط در یک دانشگاه داریم؟

مرکز یعنی واحدی که متصل به رئیس است و زیر نظر رئیس دانشگاه دارد فعالیت می‌کند، بعد اداره کل است که آمار داریم. الان دقیقش یادم نیست. مثلا ۲۰ تا، بعد مدیریت است، بعد اداره است، بعد یک‌سری هم هستند که فاقد ساختار هستند. اکثریت الان اداره هستند. اگر مدیر ورزشی باشد، ورزش بالا می‌رود. الان در ۳ یا ۴ دانشگاه ساختار تربیت‌بدنی تقلیل یافته و تنزل درجه پیدا کرده. از اداره کل شده مدیریت یا حتی اداره. اداره کل خودش معاون دارد، ساختار دارد، دو تا اداره زیر آن تعریف می‌شود. اداره که می‌شود، پست‌های کارشناسی‌اش هم گرفته می‌شود. دلیلش هم این است که آزمون امور اداری و استخدامی مصوب کرده که دانشگاه با این تعریف ۱۳ پست اداره کلی می‌تواند داشته باشد. مدیرکل حراست و روابط‌عمومی و اینها را که نمی‌شود دست زد، چیزی که من در دانشگاه‌ها آمار گرفتم و دیدم بین مدیرکل شاهد و ایثارگر و تربیت‌بدنی همیشه یکی را انتخاب می‌کنند. مثلا در دانشگاه گیلان اداره کل را اداره کردند. ما پیگیر شدیم و گفتند چند سال تربیت‌بدنی اداره کل بود، حالا شاهد و ایثارگر است، یعنی به این شکل مدیریت و تعریف می‌کنند و شاخصی نیست. ما نامه نوشتیم و ساختاربندی کردیم و گفتیم براساس این تعداد، یعنی حداقل برای هر هزار دانشجو باید یک هیات‌علمی تربیت‌بدنی داشته باشیم.

نرم خاصی برای این در نظر داشتید؟

نه، بعد دیدیم دانشگاه‌هایی تربیت‌بدنی ندارند، یعنی صفر است یا کم است که رشته ندارند. دانشگاه‌های صنعتی نوعا این‌جوری هستند. در جلسات شورای ورزش شرکت می‌کنیم و می‌گوییم مهم است. شما حق‌التدریس می‌آورید، دانشگاه خواجه نصیر با آن تعداد جمعیت و بزرگی ۳ یا ۴ هیات‌علمی تربیت‌بدنی دارد.

در دانشگاه‌های جامع یا ۱۴، ۱۵ دانشگاه اصلی و سطح یک ما که جمعیت بیشتری دارند، این چالش دیده می‌شود؟

در دانشگاه‌هایی که صنعتی هستند، این چالش دیده می‌شود. از آن ۱۴ تا نصف‌شان صنعتی هستند اما نرم هیات‌علمی متخصص تربیت‌بدنی با استانداردش ما فاصله دارد. مشکلات و خلأهایشان را با دانشجویان دکترا و ارشد که هیات‌علمی نیست، پر می‌کنند اما باید این را در نظر داشت که این فرد به آن سیستم و دانشگاه تعهد ندارد و حالا یک چیزی برگزار می‌کند که استانداردش مشخص نیست و بیشتر ذوقی است.

عدد مشخصی از تعداد مجموع نیروی انسانی که در حوزه تربیت‌بدنی دانشگاه‌های وزارت علوم مشغول هستند، دارید؟

بله.

مساله دیگری که هست مربوط به اجازه و امکان استفاده از تجهیزات و امکانات دانشگاهی است. یعنی اگر تشکلی بخواهد کار کند، این روند برایش تسهیل شود. اگر از دانشجویان حمایت مالی نمی‌کنیم، حداقل امکانات در اختیارشان قرار داده شود. اما باز به نظر می‌رسد که بعضا در برابر همین ماجرا هم مقاومت می‌شود.

ما یک شاخصی به اسم سرانه داشتیم که تقریبا از سال ۹۶ و ۹۷ به این طرف حدود دو متر بود، یعنی سالی ۲۰، ۳۰ سانت اضافه شده و من نگاه کردم اضافه‌شدنش هم به افزایش فضاهای ورزشی ربطی ندارد و بیشتر تابع کاهش تعداد دانشجو است. دانشجو که کمتر شده، سرانه بالا رفته است. الان ۲٫۱۰ متر است. من متراژ را می‌گویم. ما به لحاظ مالی هیچ شاخصی نداریم. اصلا مشکل ما همین است که رفاهی و فوق‌برنامه و تربیت‌بدنی که یک ردیف دارد و تعریف‌شده نیست. اگر شاخص ما مثلا ۵۰ هزار بود که عددش درمی‌آمد. تعداد دانشجو را ضرب در این می‌کردیم و می‌گفتیم این مبلغ را به ما بدهید اما این را نداریم و دنبالش هستیم. من خودم به‌عنوان یک کارشناس وقتی به سرانه نگاه کردم، دیدم دقیق نیست. مثلا یک زمین فوتبال که شاید هیچ رختکن و امکاناتی هم نداشته باشد و چمنش هم باکیفیت نباشد، ۱۰۰ متر طول و ۶۰ متر عرض دارد، برای ۶ هزار نفر. یعنی اگر یک دانشگاهی ۶ هزار دانشجو داشته باشد و یک زمین چمن این‌طوری هم داشته باشد، یک متر سرانه‌اش است. این دقیق نیست. ما اینها را رصد کردیم و دیدیم دانشگاه چابهار رأس لیست ماست. سرانه‌اش ۲۰ متر بود. جایی در دریا چند هکتار، یک پیست بود که در طرح‌های جدید که آزادسازی ساحل بود، از آنها گرفتند و به جای دیگر دادند. من گفتم اینکه آزادسازی نشد!

الان وضع کدام دانشگاه بهتر است؟

آمار داریم؛ اینکه چند درصد مدیران ما آقایان یا خانم‌ها هستند. سرانه دانشگاه‌ها از بالاترین تا کمترین را داریم. سرپوشیده گفتیم منطقی‌تر است. الان سرپوشیده ما ۹۶ سانت است. نرم جهانی هم من هیچ‌جا ندیدم. یک پروژه‌ای از خودمان از پژوهشگاه تربیت‌بدنی درخواست کردیم که الان دارد انجام می‌شود که آمار بگیرند و مطالعه تطبیقی شود و ببینیم سرانه بقیه چقدر است. یکی به من گفت سه‌ونیم متر است اما سندی نداشت. گفتیم آیا این سرانه‌ای که داریم درست استفاده می‌کنیم یا نه؟ خودم زمانی مسئولیت داشتم، در دانشگاه تهران ساعت شش عصر تا هشت صبح فردا در استخر دانشگاه بسته می‌شد. علتش را پرسیدم، گفتند کارمندان تا ساعت شش عصر بیشتر نمی‌مانند. به مزایده گذاشتیم و به بخش خصوصی دادیم. در ایام عادی تا ۱۱ شب باز بود. این دانشکده روبه‌روی کوی دانشگاه است. در ماه مبارک رمضان از افطار تا سحر باز بود و کلی فضا ایجاد شد، تازه آن را هم من قبول ندارم. ما در اداره کل تربیت‌بدنی جلسه‌ای با مدیران داشتیم. گفتم در طرح‌های توسعه با بخش خصوصی امکانات را اضافه کنیم و این بخش را توسعه دهیم اما امکانات موجود را حق نداریم به بخش خصوصی دهیم. باید طرحی بریزیم که این سالن ۲۴ ساعته باشد. در خارج از کشور سالن‌ها ۲۴ ساعته باز هستند اما ما از این چیزهایی که داریم هم خوب استفاده نمی‌کنیم.

شخصا هر وقت از جلوی دانشگاه امیرکبیر رد شدم، کسی را در زمین چمن آن ندیدم که مشغول ورزش باشد.

ما باید ظرفیت‌هایمان را فعال کنیم و برای آن برنامه داشته باشیم. یک بحث همان مشکل همیشگی است اما بحث دیگر سوءمدیریت و سلیقه‌ای عمل‌کردن است و البته بحثی هم مسائل فرهنگی است. از ابتدای صحبتم تا الان به بحث خانم‌ها ورود نکردم، درحالی‌که مهم است. ۶۰ درصد دانشجویان ما دختر هستند اما ظرفیت بالقوه‌ای که بتوانیم در اختیارشان قرار دهیم، به اندازه نصف هم نیست. خیلی از امکانات ما قابل استفاده برای دختران نیست. در این دو سالی که ما آمدیم، اولویت‌مان را به منظور احداث و تجهیز اماکن ورزشی برای دختران گذاشتیم؛ چه در خوابگاه‌ها و چه در دانشگاه‌ها. رویکردمان این است و اعتقاد داریم اگر مجموعه ورزشی مختص دختران بسازیم، آقایان هم بعدا امکان استفاده از آن را دارند.

از نتایج یونیورسیاد امسال راضی بودید؟ نقدی متوجه ورزش دانشگاه است که چون در دانشگاه سرمایه‌گذاری و هدف‌گذاری خاص ورزشی نداریم، در بهترین حالت می‌رویم و می‌بینیم چه کسی دانشجو است یا چه کسی را می‌توانیم دانشجو کنیم و همان فرد را به یونیورسیاد می‌بریم. مقام و رتبه‌ای هم می‌آوریم و از این بابت خوشحال هم هستیم. در عمل کشف استعداد برایمان از دستورکار خارج شده است.

شاید بهتر بود درباره موضوع فدراسیون با مسئول آن صحبت می‌کردید، اما در ساختاری که فدراسیون تعریف شده، چون موجودیتش هماهنگ‌کننده بین‌بخشی است، مشخصا وزارت علوم و وزارت بهداشت و دانشگاه آزاد در آن ساختار با وزارت علوم تعریف شده و بودجه‌اش را از ما می‌گیرد، در گذشته هرکسی مدیرکل تربیت‌بدنی وزارت علوم می‌شد مثل بنده خودبه‌خود نایب‌رئیس فدراسیون هم می‌شد؛ البته در اولین مجمع از اعضای مجمع رأی اعتبار می‌گرفت. من درحال حاضر آنجا نایب‌رئیس هستم. حالت بهینه این است که شما می‌گویید و لیگ‌هایی که در فدراسیون راه انداختیم با همین هدف بوده که بتوانیم در قالب آن لیگ‌ها شناسایی کنیم اما مشکل همیشگی را داریم، یعنی هزینه‌ها بالاست و بعد مسافت هم هست، ولی مشخصا یونیورسیاد یک ویترین است. درصد خیلی کمی این‌جوری بوده که برویم یک کسی را بیاوریم دانشجو کنیم. یک مصوبه‌ای از سال ۷۲ یا ۷۳ داریم که آخرین بازنگری آن در سال ۸۲ بوده و الان هم داریم روی آن کار می‌کنیم؛ مصوبه یا آیین‌نامه پذیرش قهرمانان. قهرمانان ورزشی ما که در مسابقات آسیایی، جهانی و انواع مختلف رویدادهای بین‌المللی مدال می‌گیرند، می‌توانند بدون کنکور در رشته تربیت‌بدنی درس بخوانند و نوعا هم همه می‌آیند. این‌طور نیست که ما برویم یک ورزشکار ملی بیاوریم و دانشجو کنیم. این قرار است بازنگری شود، مثلا بچه‌های پارالمپیکی و پاراآسیایی دیده نشدند و قرار است با یک‌سری ملاحظات دیده شوند، چون رشته تربیت‌بدنی در مقطع کارشناسی واحدهای عملی زیاد دارد و بخشی از قهرمانان ما شاید نتوانند. تبصره دارد که باید از عهده کلاس‌ها بربیایند. از ارشد به بعد می‌شود. این آیین‌نامه خودبه‌خود تسهیل‌کننده حضور قهرمانان در دانشگاه‌هاست، پس یک بخش آن طبیعی است. اینکه رویکرد چیست؟ از دوره‌ای که حداقل من در فدراسیون بودم این را مصوب کردم. یونیورسیاد یک‌جوری المپیک و ویترین است و برای کشور مهم است. ما آنجا گفتیم هرکسی دانشجو است ولو ملی‌پوش، بیاید و به‌نوعی هم رویکرد همین است و ملی‌پوشان را می‌بریم. در خیلی از رشته‌هایمان هم تیم دانشجویان با تیم ملی آنقدری فرق نمی‌کند. الان تیم تیراندازی و تیروکمان دانشجویان ما تقریبا همان تیم ملی است. تفاوت‌ها هم به خاطر شرط سنی دانشجویی یعنی زیر ۲۵ سال است. اگر شرط سنی نبود، شاید همان تیم ملی می‌شد. حالا با یک قوت و ضعف رشته‌هایی که در یونیورسیادها هست، مطابق قوت ما نیست. رشته‌هایی مثل کشتی و کاراته معمولا نیست. تقریبا عملکرد ما منهای یکی دو سالی که خاص بوده یا ضعیف عمل کردیم، در خط سیر یکنواختی رتبه‌مان حول و حوش ۱۰ است. بهترین رتبه‌ای که تابه‌حال داشتیم، دو بار نهم شدیم و در دوره اخیر که تابستان گذشته در چین انجام شد با پنج طلا، شش نقره و ۱۲ برنز یازدهم شدیم. بحث‌های ناداوری در دو فینال ما با چین بود. یکی از نقره‌ها اگر طلا می‌شد، نهم بودیم. به نظرم با موجودیتی که داشتیم، عملکردمان در یونیورسیاد خوب بود و می‌توانست بهتر باشد. بعضی از رشته‌ها خوب عمل نکردند که شاید آن موقع من می‌گفتم دلایلی دارد اما استمرارش را که در بازی‌های آسیایی دیدم، متوجه شدم مشکل فراتر از بحث دانشجویی آن است؛ مشخصا در رشته تیروکمان و تیراندازی روی اینها حساب می‌کردیم. در دوره قبل تیراندازی برای ما دو طلا آورده بود اما این‌بار در تپانچه ۱۰ و ۲۵ متر دختران دو برنز گرفتیم.

می‌توانیم روی رشته‌های یونیورسیاد سرمایه‌گذاری کنیم؟

یک ماه پیش به‌طور تصادفی نشستم یونیورسیاد ۲۰۲۵ را رصد کردم و دیدم اوضاع بدتر است یعنی معمولا بار مدال ما در یونیورسیاد در این دوره‌های اخیر روی تکواندو و ووشو بود، اما الان نیست و حذف می‌شود. تیراندازی هم دیگر نیست. همه هم اعلام شده و سال ۲۰۲۵ در آلمان است و زمانی هم که یونیورسیاد در اروپاست، مشارکت بیشتر است. در چین ممکن است بعضی از تیم‌ها کاملا نیایند با اینکه کیفیت برگزاری بالاتر است اما چون هزینه‌ها بالاست و برای ما نفری ۱۱۰ میلیون هزینه دارد، میزان مشارکت پایین‌تر است. ما الان فقط در تکواندو شانس مدال داریم. استراتژی ما این است که گفتم ما فقط می‌توانیم تکواندو را اعزام کنیم. می‌توانیم از الان هم برنامه‌ریزی کنیم. مثلا جودو ۱۶ شانس مدال دارد. نگاه کردم دیدم تیم جوانان دختر و پسر خوب مدال گرفته‌اند. جوانان یکی دو سال دانشجو هستند و می‌شود روی اینها حساب کرد. روی تیروکمان و والیبال هم می‌توانیم کار کنیم. روی این لیگ هم خیلی حساب می‌کنیم.

آگهی مناقصه‌ومزایده عمومی از طریق سامانه‌ستاد
نوبت اول
نوبت چاپ اول: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹ (چهارشنبه) و نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۲/۱۰/۰۶ (چهارشنبه)
شهرداری فردیس - شماره شناسه ۱۶۲۲۹۱۰

آگهی مزایده عمومی
نوبت اول
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر در نظر دارد ساختمان خوابگاه ...
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر

کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school

چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۲
شماره ۴۰۳۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

ادامه در صفحه ۵
ادامه از صفحه ۴